



عکس: سانا صفائی / شهر آرا

گفت‌وگو با قدسیه صمدی و ریحانه اکبری
مادرو دختری که سال‌هاست در کنار یکدیگر کار آفرینی می‌کنند

چتر مادرانه با عطرنان

۷۱

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۴۸۵ روزنامه شهر آرا

۱۴۰۰ ۰۶ ۲۹

شنبه

نه شرقی، نه غربی
در حوزه زنان

گفت‌وگو با سوم زن مسلمان نیاز به
ترویج دارد

آموزش دختران
سلامت روان جامعه
را تضمین می‌کند

وظیفه خانواده‌ها و نهادها در قبال نبود ابزار
آموزشی چیست؟



شبنم کرمی
روزنامه‌نگار

(پرتو)

مهرماه مراقب «مادر معلم‌ها» باشیم

شاید ۱۹ ماه گذشته سخت‌ترین روزهای عمرمان را تجربه کردیم. به عنوان فردی که همه سال‌های کودکی‌ام را در شهرهای به اصطلاح جنگ‌زده گذرانده‌ام می‌توانم ادعا کنم حتی بدتر از دوران جنگ. در آن روزهای پرتشویش هم مانند امروز هر لحظه احتمال فرود آمدن آوار مرگ بر سر هر خانواده‌ای وجود داشت اما مفری هم بود. بسیاری از مردم از شهرهای در معرض جنگ کوچ می‌کردند یا دست کم به بیابان‌ها و پناهگاه‌های زیرزمینی پناه می‌بردند، اما در روزهایی که بر ما گذشت هیچ کس هیچ‌جا از ویروس منحوس کرونا در امان نبوده است. از سوی دیگر، طولانی شدن این سستیز نابرابر و حواشی که به وجود آورده علاوه بر جسم انسان‌ها مدام در حال خراشیدن روحشان بوده است، به‌ویژه موج طولانی پنجم که کمتر خانواده‌ای از بیماری و مصیبت بی‌نصیب ماند. اما می‌شود گفت عشق به زندگی و توکل به خداوند و اکنون در کنار آن، سرعت گرفتن برنامه واکسیناسیون ما را به بازگشت به زندگی عادی امیدوار کرده است.

البته علاوه بر بلای جانسوز کرونا و آسیب‌های ناشی از مرگ‌هایی بدون فرصت عزاداری، در زندگی روزمره مردم، اضطراب بیماری خود و دوستان و عزیزان، کمبود دارو و واکسن و هزینه‌های سرسام‌آور درمان، گرانی و تورم روزافزون، بیکاری و رنج اقتصادی ناشی از آن، نبود فضایی برای تحرک و ورزش و رفع خستگی، نبود رفت و آمدهای فAMILI و دوستانه، ممنوعیت انواع تفریح، سفر و حتی خریدی بدون نگرانی و ترس و بسیاری ناکامی‌های دیگر چنان روح و جسم مردم را فرسوده است که تحمل استرس‌های مضاعف را ندارند.

در این میان، به یقین زنان و مادران بیش از سایر اعضای خانواده زیر فشارهای مختلف بوده‌اند و هستند. مادرها علاوه بر انجام وظایف جاری خود و تحمل و مدیریت همه پیشامدهایی که به دلیل همه‌گیری کرونا ناخواسته بر زندگی خانواده‌ها سایه انداخته است، ۲ سال تحصیلی گذشته را در نقش آموزگار برای فرزندانشان ظاهر و استرس‌های بسیاری را در این زمینه نیز متحمل شده‌اند.

تعطیلات تابستان نیز که پیش‌تر زمانی برای استراحت دانش‌آموزان و معلمان تلقی می‌شد، در ۲ سالی که گذشت نه تنها باری از دوش این «مادر معلم‌ها» برداشت که نگرانی از به بطلان گذشتن زمان طلایی کودکان و نوجوانان زندانی در خانه از ترس کرونا، و تلاش برای سر و سامان دادن مناسب وقت فرزندان هم مسئولیت آنان را دوچندان کرد. اکنون دوباره به سال تحصیلی جدید نزدیک می‌شویم، روزهایی که به کابوس مادران تبدیل شده است. هر مادری با یادآوری آغاز سال تحصیلی و به‌خاطر آوردن سروکله زدن و چالش‌های مداوم با فرزندان و مشکلات فضای مجازی و قطعی اینترنت و استرس‌های ناشی از آن‌ها و ترس از کم‌سواد بالا رفتن بچه‌ها در این دوران، لرزه بر اندامش می‌افتد. از سوی دیگر تقریباً هیچ مادری حاضر نیست تا از ایمن بودن شرایط سلامتی و بهداشتی جامعه مطمئن نشده است خطر آموزش حضوری فرزندش را بپذیرد.

این روزها با نزدیک شدن سال تحصیلی جدید شاهد اخبار، دستورها و اظهارنظرهای متعدد و متفاوتی از سوی مسئولان درباره بازگشایی مدارس هستیم که این نابسامانی و تصمیمات کارشناسی نشده درباره روش تحصیل در سال پیش رو، بر نگرانی والدین و به‌ویژه مادران افزوده است. مادرانی که در مدت چند ماه تعطیلی مدارس، هیچ کارشناسی به آن‌ها و مشکلاتشان و آسیب‌هایی که این فشارها در نهایت می‌تواند برایشان به‌دنبال داشته باشد حتی نیندیشیده است، چه رسد به اینکه برای کاهش موانع و اضطراب‌های پیش روی آن‌ها راهکاری پیشنهاد کنند. از سوی دیگر، از آنجا که مادران آموزشی در زمینه امور تحصیلی فرزندان خود ندیده‌اند، می‌توان گفت بچه‌ها هم از نظر سطح آموزشی دچار مشکلات و افت سواد خواهند شد. البته همه این مسائل باید در فرصتی که از دست رفت از سوی کارشناسان و مسئولان مورد توجه جدی قرار می‌گرفت و به جای قرار دادن همه هم آموزش و پرورش بر آموزش حضوری با وجود کرونا، برای حل آن‌ها راهکاری اندیشیده و به کار گرفته می‌شد. بنابراین با وجود شدت همه‌گیری کرونا که شاهد آن هستیم به نظر می‌رسد هم‌چنان یک سال تحصیلی دیگر را با تلاش مضاعف مادرها برای پیشبرد اهداف تحصیلی فرزندان پیش رو خواهیم داشت که امیدواریم با سرعت یافتن روند واکسیناسیون و قطع زنجیره این بیماری باری هم از روی دوش مادران خسته و آسیب‌دیده از این مشکلات برداشته شود.



عکس تزئینی است

شهر

شهربانو

۲۳ شنبه
۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۴۸۵

(۲)



تکنم جاوید

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

آینده گنگ و جریان شادی‌ساز

پس به سراغ تغییرات کوچک و البته مثبت بروید که برایتان لذت بخش باشد. پیشنهادش را خودتان پیدا کنید اما برای نمونه، مدتی پیروی از یک برنامه غذایی سالم هم به شما انگیزه می‌دهد و هم ذهن‌تان را مشغول می‌کند. گاهی مسیری از خیابان‌ها پیاده بروید. دیدن آدم‌ها و فروشگاه‌ها حال و هوای شما را تغییر می‌دهد به‌ویژه برخی خیابان‌ها که سرسبزتر و زیباتر هستند.

ملاقات یک دوست یا هم‌کلاسی که سال‌هاست از او خبری نداشته‌اید یادآور خاطرات گذشته است و کمی شما را از حال و روز نگران خارج می‌کند. تماشای یک فیلم طنز یا شروع آموزشی که همیشه گوشه ذهن‌تان بوده هم در چنین شرایطی که به نظر به بطالت می‌گذرد، ایده خوبی است. یادگرفتن یک فن یا هنر به دلیل اینکه بخش خلاق ذهن را فعال می‌کند و از سوی دیگر به شما حس مفید بودن می‌دهد و باعث شادی درونی می‌شود. باید «جریان» ذهنی برای خودتان ایجاد کنید. جریان واژه‌ای در زبان روان‌شناسان است برای توصیف حالت غوطه‌وری کامل در یک فعالیت.

فعالیت‌های جریانی به تدریج باعث ایجاد احساسات مثبت، علائم افسردگی با شدت کمتر، تنهایی کمتر، رفتارهای سالم‌تر و رفتارهای ناسالم کمتر خواهد شد. ماندن در قرنطینه و محدودیت بهترین فرصت است.

چه خوب بود اگر معجزه می‌شد! ناگهان یک روز صبح که از خواب بیدار می‌شدید، پشت سر هم خبرهای خوب می‌شنیدید. از حل شدن همه مشکلات شغلی، روابط خانوادگی، برآورده شدن آرزوهای کهنه و خیلی اتفاقات خوش دیگر، اما متأسفانه هرگز چنین نه در گذشته افتاده و نه در آینده خواهد افتاد. این‌ها البته مربوط به شرایط عادی زندگی هستند نه این روزها و ماه‌ها که دیگر نه آدم‌ها عادی‌اند، نه زندگی‌ها و نه هیچ چیز دیگر.

شنیدن خبرهای ناگوار و نشردادن آن هم کمکی به حالتان نمی‌کند. نشستن و حسرت خوردن که اوضاع را وخیم‌تر هم خواهد کرد. اما توصیه من رعایت یک نکته کوچک و ساده است. اینکه ذهن خود را از فکر رسیدن به هدف‌های بزرگ و خوشحالی‌های حسابی خالی کنید. این بیماری همه‌گیر و غم‌انگیز که ابتدا عزیزانمان را از دور کرد و بعد از دنیای ما گرفت باید به ما ثابت کرده باشد که به خوشی‌های کوچک دل بندیم. حال دلمان را خوب کنیم. شاید ساعتی دیگر همین بهانه هم برای خوشحالی وجود نداشته باشد.

نگرانی‌ها و مشکلات مسیر زندگی وجود دارد و ما هم آن را انکار نمی‌کنیم یا قصد نداریم از آن‌ها چشم‌پوشی کنیم اما گاهی به ذهن خود استراحت بدهید که با ترشح هورمون شادی حال همه اجزای بدن‌تان را خوب کند. قطع زنجیره نگرانی و اضطراب حتی برای ساعتی می‌تواند سلامت جسم و روح شما را حفظ کند که با ادامه آن، اگر مبتلا به بیماری جسمی نشوید، به احتمال فراوان، یکی از اختلالات خلقی و روحی مانند دلمردگی یا افسردگی به سراغتان خواهد آمد.

نه شرقی، نه غربی در حوزه زنان

گفتمان الگوی سوم زن مسلمان نیاز به ترویج دارد



سمیه سادات ابراهیمی

پژوهشگر و فعال حوزه زنان

هنگامه

در هفته گذشته به استناد سخنان مقام معظم رهبری و با شروع کار دولت سیزدهم، استوری ای منتشر کردم با این مضمون: «در دیدار با دولت چه شد که صحبت رهبری در بخش خانواده شنیده نشد، همان سخنانی که حضرت آقا به وزرا و دولتمردان تأکید کردند: بنده تأکید دارم ضمن پرکاری ای که خواهید داشت، به مسائل خانواده تان هم برسید. من به همه این توصیه را می کنم که به خانواده تان توجه کنید. جوری نباشد که در دوران خدمت، به خانواده تان رسیدگی نکنید.»

این استوری بهانه ای شد برای نوشتن یک سلسله یادداشت. حقیقت این است که تا وقتی دولتمردان به جایگاه و نقش خانواده آگاه نباشند، خانواده در حاکمیت نیز بی پناه خواهد بود. کدام خانواده؟ همان خانواده ای که اگر وجود نداشته باشد، هیچ بنیانی، هیچ زمین محکم و مطمئنی وجود نخواهد داشت که قادر باشیم روی آن بایستیم، همان خانواده ای که زن موضوع بی بدیل و نقش آفرین اصلی آن است، و کدام زن؟ زنی که جنسیتش بر انسانیتش سایه افکنده است و در خدمت افزایش تولید ناخالص ملی است و به ناچار همه داشته هایش را از عاطفه و زیبایی و تحصیلات و ... باید در خدمت به توسعه همه جانبه تمدن غرب خرج کند. پر واضح است در این نگاه که بر اساس توسعه پایدار است و نه کرامت انسانی، تحصیل و اشتغال محور است و مشخص است که شعارش این باشد که تفاوت جنسیتی نداریم! یا زنی که تعلقاتش تا قبل از رنسانس غرب باقی مانده است، زنی در حاشیه، تابع محض، بدون استقلال، بدون فکر و اراده که هیچ وقت مورد توجه قرار نگرفته است.

بنا به نقش معلمی ام، بارها در دانشگاه و مدرسه مورد سؤال دخترانی بوده ام که از تبعیض های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی رنجیده خاطر هستند و بنا به نقش درمانگری ام، ساعت ها روبه روی زنانی نشسته ام که در پیچ و خم دادگاه ها گریسته اند و نتوانسته اند فرزندشان را ببینند و هنوز هم نمی توانند. دست به گریبان با هزار مشکل نفقه و ... هستند تا یک ثبت نام عادی فرزندشان در مدرسه. زنانی هویت زنانه شان را نپذیرفته اند با نقش مادری شان کنار نیامده اند. در تعارض با نقش های خانوادگی و اجتماعی شان و مانده اند که فعال اجتماعی باشند یا فعال سیاسی یا فقط یک همسر. امروز در جامعه با نگاه های متحجرانه و متجددانه ای نسبت به زن روبه رو هستیم. معتقدم همان قدر که نگاه های متجددانه به زن آسیب زاست، نگاه متحجرانه نیز زن را به رکود و انزوا می برد اما خیلی محترمانه با رنگ و لعاب دین و مذهب! این بزرگ ترین جفا به دین است، به اسلامی که متعالی ترین جایگاه را برای زنان قائل شده است. ظلم به انقلاب یکی از وجوهش تحول بنیادین جایگاه زن و کنش ورزی او در جامعه است و تبدیل او در همه عرصه ها، گفتمانی که غرب را کنار زد و نگاه روشن تعالی بخش به زنان جهان هدیه کرد، نگاهی که در آن، کرامت بزرگ ترین حق زنانه است، کرامتی که در جهان هرگز شناخته نشد. این گفتمان فعالیت اجتماعی سیاسی را تکلیف زنان می داند، همان گونه که امام عزیزمان می گوید: زنان حق دارند در سیاست دخالت کنند. تکلیفشان این است. دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاسی است حتی عبادتش.

گفتمانی که حضور فعال و نقش آفرین زنان را مطالبه می کند رهبر فرزانه که همواره نگاه روشنشان راهگشا بوده است در اسفند ۹۱ موضوع مهم «الگوی سوم زن مسلمان» را مطرح می کنند که یک «نه شرقی نه غربی» در نگاه به زن بود، بیانیه مهم و تحول آفرینی که می تواند جریان ساز و حرکت سازی عظیم برای زن مسلمان باشد. رهبری عزیز در این الگو اشاره می کنند زن در تعریف بیشتر شرقی همچون عصری در حاشیه و در تاریخ و در تعریف غربی به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می چربد و ابزار جنسی در خدمت مردان و در سرمایه داری جدید است معرفی می شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم نه شرقی و نه غربی است. زن مسلمان ایرانی که تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد می توان زن بود و عفیف و محجبه و شریف بود و در عین حال مرکز بود. می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگه داشت و در عرصه سیاسی

و اجتماعی نیز سنگرهای جدید ساخت و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. وقتی رهبری انقلاب می فرمایند که زن باید اهل تحصیل باشد و زنان در گفتمان انقلاب اسلامی، معماران ایران جدید خواهند بود و حضورشان همواره از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی جریان ساز بوده است و موضوع تنها حضورشان نبوده و در سطح خرج کردن از عواطف، از جان مایه گذاشته اند، یعنی زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت ها و رقت های خود را حفظ می کند، هم از حق خود دفاع می کند و هم در میدان علم تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می کند و هم در میدان سیاسی حضور دارد.

رهبر انقلاب از بحران زن صحبت می کنند و از اینکه یکی از مسائل اساسی، مسئله زن و جایگاه زن و شأن زن در جامعه است. می فرمایند این در حقیقت یک بحران است، مسئله ای که کمتر کسی به آن توجه داشته است. این نشان می دهد زن مسلمان به الگو نیاز دارد.

و حقیقت این است که امروز جهان سخت محتاج شنیدن صدای زن مسلمان کوشا و داناست و به گفته رهبری، اگر درباره مسئله زن خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه زنان در همه دنیا است. امروز پس از گذشت یک دهه از سخنان رهبر انقلاب درباره الگوی سوم زن، ابعاد این الگو شناخته شده اما به گفتمان تبدیل نشده است که نیازمند حضور زنان اندیشمند است.

امید است با حضور زنان فعال و رشد یافته در این حوزه، الگوی سوم زن به گام های عملی تبدیل شود و بستر رشد سیاسی و فرهنگی بیش از پیش برای زنان ایران اسلامی فراهم آید.

شهربانو

۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۴۸۵

(۳)





شهربانو

۲شنبه
۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۴۸۵

(۴)

گفت‌وگو با قدسیه صمدی و ریحانه اکبری،
مادرو دختری که سال‌هاست در کنار یکدیگر
کارآفرینی می‌کنند

چتر مادرانه با عطر نان



خیلی از محدودیت‌هایی که امروزه برای تحصیل و کار در گذشته از زبان نسل قدیم می‌شنویم، برایمان مانند قصه‌ای است که دیر می‌توان آن را هضم کرد. اما بسیاری از دختران از دل همین محدودیت‌ها به موفقیت‌هایی رسیده و توانایی‌شان را به دیگران اثبات کرده‌اند. در این روایت، از بانویی می‌گوییم که همان ابتدای زندگی مشترک، شغل زنبورداری را از کم شروع می‌کند و در طول سال‌ها به جایی می‌رساند که همه اعضای خانواده‌اش در این کار مشغول می‌شوند، مادری که نه تنها در خانه مادرانگی می‌کرد بلکه در بازار کار نیز یک رکن اساسی و الگو برای خانواده‌اش محسوب می‌شد. بعدها دخترش، ریحانه، نیز عطر نان را به سفره زنان سرپرست خانوار بی‌شماری می‌برد. قدسیه صمدی از پدر چیز زیادی به یاد نمی‌آورد و هرچه می‌داند بعدها از زبان مادر و خواهر بزرگ‌ترش می‌شنود زیرا وقتی دوساله می‌شود، پدرش از دنیا می‌رود. می‌شود گفت مردم قدیم مانند امروز، عرصه را بر خرافات تنگ نمی‌کردند. باور داشتند هر کسی دختر دارد، نسلش ادامه پیدا نمی‌کند. اما صمدی از زمانی که دست راست و چپ خود را می‌شناسد، می‌خواهد خلاف این موضوع را ثابت کند و به همه نشان دهد دختران هم می‌توانند نام پدر خود را زنده نگه دارند. او برای این هدف سال‌ها زحمت می‌کشد. از همان روزهایی که با یک کندوی عسل در پشت‌بام خانه خود شروع به کار می‌کند تاکنون که علاوه بر اعضای خانواده خود، برای ۱۰۰ نفر دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد کرده است.

روزهایی که بعد از پدر گذشت

قدسیه صمدی متولد سال ۱۳۴۱ و اهل روستای پیوه‌ژن است. بعد از فوت پدرش، مادر او از طریق جمع‌آوری محصول، گل‌دوزی، خیاطی و بافندگی خرج و مخارج خانه‌شان را تأمین می‌کرد. با اینکه دستش تنگ بود، در برابر هیچ‌یک از خواسته‌های دخترانش بی‌تفاوت نبود. صمدی و خواهرش جزو اولین اعضای فامیل بودند که دیپلم گرفتند، با اینکه بچه‌های دیگر پدر داشتند و وضع مالی‌شان بهتر بود. او از همان کودکی دوست داشت روی پای خودش بایستد. به همین دلیل، گاهی بعد از مدرسه‌اش به کارگاه قالی‌بافی می‌رفت و به ازای چند ساعت کار، مزد دریافت می‌کرد. کسی چه می‌داند؟ شاید این سخت‌کوشی را از مادرش به ارث برده بود.

زنبورداری در کنار پرورش گیاهان دارویی

روزهای پایانی شهریور را همراه با نسیم خنک پاییزی آن برای گفت‌وگو انتخاب می‌کنیم. صمدی به همراه خانواده‌اش، علاوه بر زنبورداری، زمین برای پرورش گل محمدی، ختمی، زرشک، بادام، نعناع، پونه و ... نیز دارند که به دست مصرف‌کننده می‌رسانند. در حوزه گیاهان دارویی تحصیل کرده و علاوه بر آن، آموزش‌های دیگری هم در جهاد دانشگاهی دیده است و حالا می‌تواند به افراد مختلف در خصوص بهبود بیماری‌هایشان مشاوره بدهد.



در پشت‌بام خانه‌شان شروع می‌کند. اوایل به اندازه مصرف خانگی بود و شاید یک تا ۲ شیشه عسل در سال به دست می‌آمد، اما به مرور تعداد کندوها به ۴، ۷، ۲۰ و بیشتر می‌رسد. «از همان ابتدا به فکر گسترش کار بودیم، اما به این دلیل که نمی‌خواستیم خطر کنیم، از یک کندو شروع کردیم. حدود ۵ سالی طول کشید تا توانستیم عسل را به تولید انبوه برسانیم و فروشگاه زدیم تا آن‌ها را عرضه کنیم، بعد از آن هم به مرور شعبه راه‌اندازی کردیم.»

فشرده‌گی کار و زندگی در آن سال‌ها برای او زیاد بود زیرا با داشتن ۳ فرزند، باید تحصیلش را در دانشگاه ادامه می‌داد، کارش را دنبال می‌کرد و هم‌زمان کارهای خانه را نیز انجام می‌داد. به یاد می‌آورد آن زمان، شاید بعضی شب‌ها تنها ۴ ساعت فرصت می‌کرد بخوابد، اما خستگی جسمی بود و از نظر روحی به این موفقیت و سختی می‌بالید. «کلاس‌هایم را طوری هماهنگ کرده بودم که صبح‌ها برای آن وقت بگذارم، ظهر سراغ فروشگاه می‌رفتم و سری به کندوها می‌زدم و در عین حال، باید به کارهای خانه و بچه‌ها نیز رسیدگی می‌کردم زیرا آن زمان هزینه‌ها کفاف نمی‌داد که پرستار بگیرم و کمک‌دست من باشد. گمان می‌کنم هر خانمی می‌خواهد در کنار خانه‌داری شاغل نیز باشد، مشکلاتی سر راه او به وجود می‌آید، اما این کار نشدنی نیست. وقتی کسی می‌خواهد قدم‌های بزرگ بردارد، باید بداند که ممکن است خلاهایی نیز ایجاد شود.»

نیش را نوش می‌کنند

او که سال‌های سال است به همراه همسر و خانواده‌اش نیش زنبور را به نوشی شیرین تبدیل می‌کنند، معتقد است این شغل، پرزحمت و ادامه‌آن نیازمند علاقه است. شمار نیش‌هایی که از زنبورها خورده از دستش خارج شده است. «نیش زنبور مزایایی برای بدن انسان دارد. من معمولاً بدون کلاه و دستکش به کندوها سر می‌زنم، اما اگر مدتی بگذرد و زنبورها نیش نزده باشند، کاری می‌کنم که من را نیش بزنند زیرا خاصیت دارد.»

بازنشستگی بی‌مهناست

او نام پدر خود، زکریا، را برند کار خود قرار می‌دهد و یک کندوی عسل را حالا به ۱۵۰ کندوی عسل رسانده

دیپلم خود را سال ۶۰ گرفته و همان سال ازدواج می‌کند. یک سال بعد نیز اولین فرزندش، ریحانه اکبری، به دنیا می‌آید که حالا سال‌هاست با مادر همکاری می‌کند. صمدی آن زمان می‌خواست درسش را ادامه بدهد، اما انقلاب فرهنگی مانع شد. «از طرف دیگر، بعد از تولد فرزندم، همسرم با ادامه تحصیل در آن شرایط موافق نبود، اما عشق به تحصیل در وجودم باقی ماند و فعالیت‌های اجتماعی مانند فرماندهی بسیج خواهران و فعالیت در شورای اجتماعی محلات را انجام می‌دادم.»

زنبورداری رونق زندگی‌تان می‌شود

علاقه به تحصیل، او را در چهل سالگی به دانشگاه می‌کشاند و به گفته خودش، در میان سایر دانشجویان، سن بیشتری داشته، اما همیشه زودتر از بقیه آن‌ها سر کلاس حاضر می‌شده است. علاقه‌اش به طبیعت همیشه همراه او بود و به این دلیل که همسرش هم در این موضوع با او همسو می‌شود. هر دو به دنبال شغلی می‌گردند که یک سر آن به طبیعت برسد. «خیلی درباره زنبورداری تحقیق کردیم و هنوز به یاد دارم که از یک زنبوردار درباره شروع به این کار پرسیدیم و در جواب گفت که زنبورداری، رونق زندگی‌تان می‌شود و کاری می‌کند که هیچ‌وقت جیبتان بدون پول نشود و همین‌طور هم شد.»

صمدی ۲۵ سال پیش کار را با یک کندوی عسل



است. مدت زیادی است که چند روزی در هفته را در مشهد می‌گذراند تا به کارهای فروشگاه و مشاوره سلامت برسد. چند روز دیگر راهم در روستای زادگاهش در کنار زنپورهایی که به گفته خودش برایشان مادری می‌کند می‌گذراند. «حالا که با به سن گذاشته‌ام، هنوز هم ساعتی که فکر کنم بیکار هستم، برایم ساعت خوشی نیست. هرشب قبل از خواب کارهای روز بعد را در ذهنم مرور می‌کنم. گاهی شده است که در روستا فراغت بیشتری داشته‌ام، اما از همان وقت هم استفاده می‌کنم و برگ درختان و گیاهانی که خاصیت دارویی دارد جمع‌آوری می‌کنم. تا وقتی توان داشته باشم، کار می‌کنم و از نظر من بازنشستگی معنایی ندارد.»

او معتقد است آن‌ها ظرفیت صادرات عسل و محصولاتشان را دارند و اکنون نیز از عراق، افغانستان و قزاقستان مشتری دارند. «از ابتدای کار تاکنون نتوانسته‌ایم وام بگیریم. یعنی مراحل آن قدر سخت بود که به خودمان قبولانندیم به دریافت وام فکر نکنیم و همیشه درآمد همین کار را صرف توسعه خودش کردیم.»

صمدی انگار حالا بعد از سال‌ها تلاش، حاصل کار خود را می‌بیند و از اینکه می‌تواند با کارآفرینی بستری برای اشتغال خانواده خودش و ۱۰۰ فرد دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم کند، رضایت در وجودش جا خوش می‌کند. «هنوز هم دوست دارم این کار را توسعه بدهم و علاوه بر خانواده‌ام، برای افراد دیگری نیز مفید باشم. از نظر فضا دچار مشکل هستیم و نمی‌توانیم همه گیاهان دارویی را خودمان برداشت کنیم، اما سعی می‌کنم هر سال گیاهان دارویی‌ای را که لازم داریم از مردم در روستای خودمان تهیه کنم تا بازار کاری برای آن‌ها ایجاد شود.»

➤ جزو اولین مربیان نهضت سوادآموزی بودم

صمدی از نسل قدیم مادران است، مادرانی که در قامت یک دختر نوجوان، انقلاب و بعد از آن دوران جنگ را به چشم دیده و با وجودشان لمس کرده‌اند. او نیز به یاد می‌آورد زمانی که کلاس یازدهم بود، زمزمه‌های انقلاب شروع می‌شود و آن‌ها در راهپیمایی و تحصن‌ها شرکت می‌کردند. حتی در این باره جلسات خانگی داشتند. «زمانی که انقلاب شد، جزو اولین مربیان

نهضت سوادآموزی بودم. با اینکه هنوز دیپلم نگرفته بودم، هرچه یاد داشتم به زنان دیگر می‌آموختم. زمان جنگ، دورانی بود که ازدواج کرده بودم و بچه داشتم. به همین دلیل نمی‌توانستم به مناطق بروم، و کمک‌های پشت جبهه مانند بسته‌بندی وسایل را انجام می‌دادم.»

➤ به دنبال علاقه و پیرو خانواده

ریحانه اکبری اولین فرزند و تنها دختر صمدی است که ۱۵ سال پیش، در بازار گل مشهد، در حوزه بانکداری گیاهان طبیعی خشک‌شده فعالیت می‌کرد. ۵۰ نیروی کار داشت و به افغانستان و عراق صادرات انجام می‌داد. بیشتر نمایشگاه‌های بین‌المللی را شرکت می‌کرد و در نوع خودش موفق هم بود. «من به حوزه گیاهان دارویی علاقه‌مند بودم و به این دلیل که پدرم مشغول زنپورداری بود و مادر نیز علاوه بر زنپورداری در حوزه گیاهان دارویی فعال بود، انگیزه بیشتری پیدا کردم که به سمت این کار بروم. البته از کودکی به رشته پزشکی نیز علاقه‌مند بودم که می‌شود گفت حالا خیلی از آن دور نیستم.»

او یک بانوی دهه‌شصتی است که همیشه می‌خواسته فعال باشد و فعالیت خانه‌داری به تنهایی او را ا قناع نمی‌کرده است. به همین دلیل، اولین کاری که تجربه می‌کند، کارهای هنری را آموزش می‌بیند و در خانه خودش، آموزش به سایر بانوان را شروع می‌کند. به مرور، آموزشگاهی برای این منظور در نظر می‌گیرد «بانوانی را می‌دیدم که به دنبال کار هستند، اما محیط امن کاری برای آن‌ها مهیا نیست. در واقع، با این کار می‌خواستم مشکل آن‌ها را نیز حل کنم. خودم بازاریابی می‌کردم و قرارداد می‌بستم. تولیدات این بانوان را از جانماز گرفته تا جاکلیدی، دسته گل، رویچالی و ... می‌خریدم و به فروش می‌رساندم.»

اکبری برای پیشبرد کار به تهران می‌رفت و مدل‌های جدید را رصد می‌کرد تا با اجرای تغییرات روی مدل‌هایشان، نوآوری ایجاد کند. آموزش در حوزه‌های زیادی صورت می‌گرفت و حتی در مواردی که او آموزش ندیده بود، از یک مربی دیگر دعوت به کار می‌کرد. «کار خوب پیش می‌رفت و استقبال هم می‌شد، اما متأسفانه بعد از مدتی اجناس با کیفیت پایین و قیمت ارزان یا

محصولات چینی را وارد بازار کردند و دیگر از خرید تولیدات ما استقبال نمی‌شد. در صورتی که علاوه بر ارسال به همه شهرهای کشور، به افغانستان و عراق نیز صادرات داشتیم.»

➤ گاهی در زنپورستان کنار پدر و گاهی در فروشگاه کنار مادر

اکنون ۱۰ سالی می‌شود که در کنار مادر و خانواده‌اش مشغول به کار است. لیسانس گیاهان دارویی و معادل دکتری طب سنتی از دانشگاه پردیس تهران دارد و حتی دوره‌ای آموزشی را در کشور هندوستان گذرانده است. علاوه بر این، کلاس‌های آزاد در باره گیاهان دارویی را نیز شرکت می‌کند. اوایل به عنوان یک هنرجو، گاهی در زنپورستان کنار پدر و گاهی در فروشگاه کنار مادر کار می‌کرد تا علاقه ذاتی خود را پیدا کند. «کار در کنار خانواده حس خیلی خوبی دارد. من و ۲ برادرم، همسرم و حتی پسر بزرگم در ۴ شعبه‌ای که در مشهد و روستای پیوه‌ژن داریم فعال هستیم. خوبی کار این است که به پدر و مادرم به چشم یک کارفرمای غریبه نگاه نمی‌کنم. هدف اولم خدمت به پدر و مادرم است که سعی کنم باری از روی دوش آن‌ها بردارم. برای نمونه، کارهای اداری را خودم انجام می‌دهم تا آن‌ها درگیر نشوند.»

موفقیت‌هایی را که در کار نصیبش می‌شود مدیون دعای خیر پدر و مادرش می‌داند. یکی از این موفقیت‌ها این بود که از او برای کشور قزاقستان دعوت به کار می‌شود. یک ماه او و همسرش مهمان آن‌ها می‌شوند و درباره خواص گیاهان دارویی ایران که در آنجا شناخته بود، برایشان صحبت می‌کنند. ضمن اینکه مشاوره و مزاج‌شناسی افراد را نیز انجام می‌دهند که برای اکبری، حکم یک کار تحقیقاتی را داشت. «بعد از آن دعوت به کار دائم شدیم تا اقامت آن کشور را نیز بگیریم. البته به دلیل تعلقات خانوادگی و اینکه کشورم را دوست دارم، نپذیرفتم، اما هنوز برای فروش محصولات ارتباط داریم.»

او باور دارد برای بانوان در حوزه کارآفرینی سختی‌های بیشتری وجود دارد اما نباید دلسرد شوند. اکبری به یاد می‌آورد برای راه‌اندازی یک شعبه در روستای زادگاهشان و اشتغال‌زایی برای مردم در حوزه گیاهان دارویی آن منطقه، سنگ‌اندازی‌های زیادی را تجربه می‌کند. «نمی‌دانم به چه دلیل، اما انگار مسئولان آن بخش تمایلی نداشتند که این کار شکل بگیرد. کفش آهنین به پا کردم و همه اداراتی را که لازم بود رفتم، اگر فرد دیگری بود، شاید خسته می‌شد، اما من ادامه دادم. حالا که به آن موقع فکر می‌کنم، با خودم می‌گویم درست است که اذیت شدم، اما خوشحالم که رها نکردم و کار نتیجه داد. ضمن اینکه همسرم نیز از من حمایت می‌کرد و در موفقیت من نقش داشت.»

➤ در حوزه آموزش گیاهان دارویی فعال هستم

او علاوه بر کارآفرینی، در حوزه آموزش نیز مشغول است. در دانشگاه فرهنگیان طب سنتی و مزاج‌شناسی آموزش داده است و در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت معلمان نیز حضور دارد. ضمن اینکه گاهی در مدارس و پایگاه‌های بسیج نیز در حوزه گیاهان دارویی مطالبی را به افراد ارائه می‌دهد. «به جای اینکه بگویم در روز چند ساعت کار می‌کنم، بهتر است بگویم چند ساعت استراحت می‌کنم! در طول روز شاید یکی دو ساعت استراحت کنم و مابقی ساعات را مشغول کار یا انجام وظایف مادری و خانه‌داری خودم هستم. ضمن اینکه بیشتر اوقات حتی از خانه به صورت تلفنی نیز پیگیر کارها هستم. اگر با وجود انجام کارها، باز هم زمان داشته باشم، آن را به مطالعه و تحقیق اختصاص می‌دهم.»

➤ ثبت شرکت در حوزه تولید عسل و گیاهان دارویی

او بر این باور است که اگر اعضای یک خانواده در یک مجموعه کار کنند و همدل باشند، آن مجموعه موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کند. «بعد از سال‌ها تلاش، توانستیم ۲ شرکت را در حوزه تولید عسل و عرضه گیاهان دارویی به ثبت برسانیم که یکی از آن‌ها دانش‌بنیان نیز هست و کار آن‌ها در مراحل پایانی است. برنامه بعدی‌مان در حوزه کاری، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی است.»

شهر بانو

شهر بانو

۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۴۸۵

(۵)

حالا بعد از سال‌ها تلاش، حاصل کار خود را می‌بیند و از اینکه می‌تواند با کارآفرینی بستری برای اشتغال خانواده خودش و ۱۰۰ فرد دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم کند، رضایت در وجودش جا خوش می‌کند





آموزش دختران سلامت روان جامعه را تضمین می‌کند

وظیفه خانواده‌ها و نهادها در قبال
نبود ابزار آموزشی چیست؟



شهربانو

۲۹ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۳۸۵

(۶)



مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

این روزها خبرها را که مرور می‌کنیم به واسطه نزدیک شدن به ماه مهر، تیرهای متعددی در اخبار اجتماعی به مقوله سال تحصیلی و فرایند آموزشی پیش رو اختصاص یافته است. از جمله غیرحضور بودن مدارس تا پایان واکسیناسیون دانش‌آموزان، تحویل کارنامه تحصیلی به پدران و محرومیت مادران از دریافت کارنامه تحصیلی فرزند، ایرادهای ساختاری آموزش غیرحضور و غیره. خبر غیرحضور بودن فرایند آموزش مدارس در سال تحصیلی جاری با توجه به شرایط بحرانی کرونا پیش‌بینی می‌شد، اما آنچه در میان اخبار نهاد آموزشی و دغدغه‌های خانواده‌ها پیش روی دیده‌بان‌های مسائل اجتماعی و مددکاران اجتماعی قرار می‌گیرد چند گام عمیق‌تر از خبرهای رسانه‌ای است. آنان به مواردی می‌اندیشند که در لایه‌های زیرین خبرها پنهان است، به آنچه کمتر تیتیر می‌شود اما بیشتر زندگی آموزشی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده است یا می‌دهد.

اندیشیده است؟ در سطح جهانی، بنابر اعلان یونسکو، ۱۱ میلیون دختر بعد از شروع کرونا مدرسه‌ها را ترک کرده‌اند و بازگشتن آنان به حوزه تحصیل دشوار به نظر می‌رسد. آیا نهاد آموزشی جامعه ما مطلع است که چه میزان از این دختران متعلق به جامعه ایرانی هستند؟ ۱۱ میلیون دختر یک رقم ثابت نیست. این تعداد در نسل بعد منتشر می‌شوند. در واقع ۱۱ میلیون مادر (در صورتی که همه این دختران در آینده تصمیم به فرزندآوری داشته باشند) از مسیر آگاهی یافتن و خردورز شدن باز مانده‌اند. این یک فاجعه نسلی در فرایند فرزندپروری قلمداد خواهد شد. جدا از آن، یک شکاف شایان توجه در حوزه عدالت جنسیتی است. پر واضح است که زندگی در دنیای امروز و آینده مستلزم سطح مشخصی از دانش است.

➤ نبود آموزش سلامت روان دختران را از بین می‌برد

امروزه با توجه به بحران اقتصادی ای که همه خانواده‌ها درگیر آن هستند، نمی‌توان از والدین انتظار داشت امکانات آموزشی ضروری شرایط کنونی را فراهم آورند اما یک ضرورت است که نهاد آموزشی به عنوان متولی امر آموزش همگانی به ارائه طرح‌های واقع‌گرایانه که میزان نابرابری اجتماعی در دسترسی به منابع و امکانات برای همه دختران را بکاهد همت کند. بدون فراگیری دانش اولیه، در بلندمدت، سلامت روانی دختران و متعاقب آن سلامت روانی جامعه را با اختلال روبه‌رو می‌سازد. بدین ترتیب، جامعه بخشی از نیروی فعال خود را از بستر فعالیت‌های جمعی دور می‌کند و دور ماندن از جامعه برای انسان که موجودی اجتماعی است نوعی مرگ تدریجی پویایی محسوب می‌شود. نسل دوم فرزندان احتمالی دانش‌آموزان امروزی هستند که از تحصیل محروم شده‌اند. آنچه امروزه یک ضرورت اجتماعی کتمان‌ناپذیر و فوری است ورود نهاد آموزشی به رفع نقص‌ها و کاستی‌های مدارس برای ارائه خدمات آموزشی مناسب با شرایط است. بحران کرونا می‌تواند هشدار مناسبی برای سایر بحران‌های احتمالی در آینده باشد که سیستم آموزشی و فرایند معمول آموزش را به چالش خواهد کشید.

➤ آیا نیکوکاران به‌تنهایی می‌توانند مشکل را حل کنند؟

شما به عنوان یک مادر، علاوه بر حساسیت نظری که بر فرایند آموزش فرزند خود از طریق مدرسه دارید، چگونه می‌توانید مسئولیت اجتماعی خود در برابر سایر دختران دانش‌آموز را متعهدانه انجام دهید؟ با مطالعه گری سیستمی، از طریق انجمن اولیا و مربیان تعداد دانش‌آموزانی را که به واسطه فقدان امکانات مجازی از تحصیل باز مانده‌اند به مدرسه اطلاع دهید و پیگیر باشید تا مدرسه از سازمان آموزش و پرورش مطالبه‌گر شود که چگونه این معضل اجتماعی در امر آموزش را مرتفع خواهد ساخت. چالشی که در سالیان گذشته وجود داشته است این است که انجمن والدین سعی می‌کنند این مشکل را از طریق نیکوکاران به صورت مقطعی حل کنند. این امر سبب شده است نخست جمعیت کوچکی از ترک تحصیل‌کنندگان را شامل شود. دوم، به عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح نشود و راهکاری بلندمدت و جامع برای آن اتخاذ نگردد. خردمندانه به راهکار ریشه‌ای بیندیشید و مطالبه‌گر باشید.

➤ ابزار آموزشی برای آموزش غیرحضور چه شد

سال گذشته خبرهای زیادی درباره نبود ابزار آموزشی و تلفن همراه برای آموزش غیرحضور شنیده شد. دانش‌آموزانی که به واسطه نداشتن اینترنت یا تلفن همراه یا هردو از ادامه یا آغاز تحصیل بازماندند، دانش‌آموزانی که عموماً در آمار رسمی وجود خارجی ندارند. اگرچه سال گذشته تعداد زیادی از نیکوکاران یا مدیران مدارس در جهت تأمین نیازهای آموزشی دانش‌آموزان همت کردند، نمی‌توان گفت میزان دسترسی دانش‌آموزان به ابزار آموزشی برابر بوده است. فشارهای روانی ناشی از نابرابری اجتماعی تحصیلی اگر چه برای همه دانش‌آموزان یکسان به نظر می‌رسد، تفاوت‌های فاحشی هم داشته است.

در مقطع دبستان، ناکامی در دستیابی به امکانات برای هر ۲ جنس دختر و پسر نسبتاً یکسان است اما با گذار به دوره اول دبیرستان یک ضرورت اجتماعی در نهاد آموزشی ایجاد می‌شود. این دوره هم‌زمان است با آغاز دوره نوجوانی و حساسیت‌های ناشی از فرایند بلوغ. به طور روان‌شناختی در اکثریت موارد حساسیت‌های مقایسه‌گر در میان دختران افزایش بیشتری در مقایسه با پسران دارد. این در حالی است که به طور تاریخی دختران در نظام اختصاص امکانات و ایجاد محدودیت‌ها در مقایسه با پسران در یک نابرابری اجتماعی و فرهنگی جهانی زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، به دلیل اینکه انتظارات اجتماعی برای تربیت نسل‌های جدید همیشه بر ذهن دختران بیش از پسران سنگینی می‌کند و آنان در آینده و با ورود به زندگی مشترک باید پرورش یک نسل را بر عهده بگیرند، جانماندن دختران از فرایند تحصیل به امری حیاتی برای بقای سلامت اجتماعی و پویایی جامعه تبدیل می‌شود.

➤ نسل پویا و انتظارات از زنان

مادران خردورز از مسیر دانش‌آموختن و آگاهی یافتن به خردمندی رسیده‌اند. مسیر آموزش که مخدوش باشد، امکانات آموزشی که در اختیار همه قرار نگیرد و دختران که از ابزارهای آموزشی و شرایط آموختن محروم شوند، علاوه بر نسل خودشان، یک نسل بعد از آنان نیز در مخاطره قرار خواهد گرفت. شما به عنوان یک مادر میزان و چگونگی دسترسی فرزندتان به ابزار آموزشی را که نیاز این روزهای غیرحضور شدن آموزش است چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دانش‌آموزان بسیاری در طول سال گذشته برای دسترسی به شبکه آموزشی مدرسه از تلفن همراه مادر خود استفاده کرده‌اند. قرار داشتن در رده سنی نوجوانی و حساسیت‌های این دوره سنی دختران بسیاری را با مسئله ممنوعیت داشتن تلفن همراه از سوی خانواده روبه‌رو ساخت چون خانواده به دلیل نداشتن اطلاع و دانش، برای مدیریت استفاده فرزندشان از اینترنت، از ابتدا مسأله را با محرومیت او از داشتن تلفن همراه برای خود حل کردند.

➤ ۱۱ میلیون دختر در جهان از تحصیل بازماندند

دانش‌آموزانی که در خانواده‌شان تلفن همراه هوشمند موجود نبود و امکان دسترسی حتی تحت نظارت مادر به کلاس درس را نیز نداشتند. نهاد آموزش و پرورش با گذشت یک سال تحصیلی در بحران، آیا فکری برای سال جاری



شهربانو

شنبه
۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۳ شماره ۳۳۸۵

(۷)

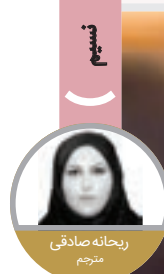
زنان و راه ناتمام طرح‌های نصف و نیمه

مطالبات زنان گستره وسیعی را پوشش می‌دهد. از همه آن نیازهای کلی و انسانی اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و سیاسی گرفته تا بخشی از خواسته‌هایی که به‌طور اختصاصی معطوف به زنان است. نیازسنجی و درک و دریافت خواسته‌های اختصاصی زنان، با توجه به پراکندگی این نیازها، خود، فرایندی پیچیده و دشوار است و تلاش برای برطرف کردن این نیازها از مجراهای قانونی و سیاسی یکی از فرایندهای زمان‌بر و نیازمند دقت و حوصله فراوان. با این همه دشواری که در نیازسنجی و چینش ترتیبات حقوقی و سیاسی وجود دارد، باز هم معدودی از این طرح‌ها می‌توانند عملیاتی و اجرا شوند و قریب به اتفاق طرح‌ها و لایوچ مربوط به زنان مشمول زمان می‌شوند و در دست‌اندازهای سیاسی و حقوقی و تغییر و تحول‌هایی که در بدنه قدرت صورت می‌گیرد، فراموش می‌شوند و از یاد می‌روند. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ چرا طرح‌های مفید و کارایی مانند طرح بیمه زنان خانه‌دار، لایحه منع خشونت، پیشنهادهای مربوط به تعالی خانواده و موارد بسیار دیگر یا به‌طور کلی در نیمه راه متوقف می‌شوند یا اگر به مرحله اجرا می‌رسند چندان دچار تغییر و تحول می‌شوند که از آن هدف اولیه خود جدا می‌شوند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها قبل از هر چیز باید از فقدان یک نقشه راه مختص به مطالب زنان سخن گفت. واقعیت این است که در سال‌های اخیر مباحث مربوط به حوزه زنان مورد توجه و عنایت نهادهای سیاسی گوناگون قرار گرفته است اما این توجهات و انگشت گذاشتن‌ها بر خواسته‌ها و نیازهای زنان، بسیار کمتر از آن چیزی که درباره آن گفته می‌شود، به نتایج ملموس و عملی ختم شده است. در همه سیستم‌های سیاسی، تقسیم کار روشن و مشخصی برای اداره امور وجود دارد که با توجه به نیازهای جامعه و منابع مادی و معنوی موجود در آن، تلاش می‌کند بخشی از نیازهای شهروندان را برطرف کند. با توجه به اینکه مسئله زنان و شناسایی خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها به بررسی و کاوش در میان گروه‌های مختلف اجتماعی نیاز دارد، برنامه‌ریزی و وجود یک نقشه راه می‌تواند بسیار راهگشا باشد. البته در ایران نهادهای مربوط به امور زنان در نظر گرفته شده است. به‌علاوه، نهادهای سیاسی کلان همچون دولت، مجلس، شوراهای شهر و روستا، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دیگر به این مقوله بی‌توجه نبوده‌اند. این نهادها در کنار سایر نهادهای اختصاصی متولی امور زنان همچون «فراکسیون زنان و خانواده» در مجلس و «معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری»، اگرچه هر سال به تنوع برنامه‌ها و عمق اقدامات خود اضافه می‌کنند، برای رسیدن به نقطه مطلوب، نیازمند صرف وقت، برنامه‌ریزی روشن و آشکار و از همه مهم‌تر، منابع مالی مطمئنی هستند که بتوانند بر مبنای آن، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را طرح‌ریزی کنند و به ایجاد فرصت‌های جدید در حوزه زنان بپردازند. با وجود این تنوع نهادی، متأسفانه به دلیل نبودن یک برنامه جامع، برخی سیاست‌های معطوف به خانواده و زنان ناگهانی، خلق الساعه و وابسته به اشخاص هستند و با هر گونه تغییر و تحول سیاسی، آن برنامه‌ها دستخوش تغییر و تحول می‌شوند. درست است که تغییرات سیاسی که عموماً هر ۴ سال و در نتیجه خواست و رأی عمومی مردم رخ می‌دهد، عنصر اثرگذاری در دنبال نشدن راه‌های نصف و نیمه در حوزه زنان به شمار می‌رود، اما از آن مهم‌تر نبودن یک نقشه راه عمومی، گسترده، جامع و هدف‌دار است که بتواند مانع از طرح پیشنهادهای موازی یا حتی مخالف با موارد در حال اجرا باشد. باید متذکر شد منظور از نقشه راه، سندی بالادستی است که با سایر اسناد حقوقی و سیاسی کشور هم‌راستا باشد و تنها به عنوان یک دورنما و چشم‌انداز، مانع از هدر رفت سرمایه و منابع انسانی‌ای شود که در مسیر برنامه‌نویسی‌ها و اجرایی شدن این پیشنهادهای هزینه می‌شود.



دکتر
محدثه جزایری
دبیر انجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

صف



ریحانه صادقی
منوچهر



روز جهانی آلزایمر برای یادآوری روزهایی که شاید برای ما نیز در پیش باشد

در شصت و پنج سالگی احتمال ابتلای یک زن به بیماری آلزایمر ۲ برابر یک مرد است. و در هفتاد و پنج سالگی، این احتمال ۳ برابر می‌شود. در واقع، دوسوم مبتلایان به آلزایمر زنان هستند.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که بیماری آلزایمر زندگی قربانیان و خانواده‌هایشان را به روش‌های مختلف و پیچیده‌ای مختل یا حتی ویران می‌کند. همان‌طور که گفته شد، این بیماری با زنان به مراتب نامهربان‌تر هم هست. زنان بیش از مردان به این بیماری مبتلا می‌شوند. این در حالی است که اغلب، وظیفه اصلی نگهداری و مراقبت از خانواده به‌طور معمول بر عهده زنان است. به همین سبب، سازمان‌ها، صندوق‌ها و خیریه‌های بسیاری به یافتن راهی برای درمان آلزایمر و کمک به زنان مبتلا به این بیماری اختصاص یافته‌اند. در آستانه روز جهانی آلزایمر (۲۱ سپتامبر)، می‌خواهیم به معرفی ۳ سازمان پیردازیم که به‌طور مشخص بر مسئله آلزایمر در زنان تمرکز دارند.

Cure Alzheimer's Fund

وبسایت «زنان و آلزایمر» متعلق به یک سازمان غیرانتفاعی یا ناسودبر با عنوان «Cure Alzheimer's Fund» یا «صندوق درمان آلزایمر» است که در سال ۲۰۰۴ توسط هنری مک کین، فیلیس راپاپورت، و ژاکی و جف موری تأسیس شد و از آن زمان تاکنون تمرکز صددرصدی خود را بر یافتن درمانی برای این بیماری بی‌رحم و مرگبار قرار داده است. در این سازمان، همه هزینه‌های لازم برای اداره سازمان و برگزاری رخدادهای علمی یا شرکت در آن‌ها، توسط هیئت مدیره سازمان صورت می‌گیرد و ۱۰۰ درصد کمک‌ها و اهدایی‌های مردم به سازمان در زمینه تحقیق و پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف این سازمان یافتن درمانی برای آلزایمر است و تحقیقاتی که دارای بیشترین احتمال برای یافتن راهی برای پیش‌گیری از این بیماری یا کاستن سرعت ابتلا به آن، و یا حتی، وارونه ساختن روند رشد بیماری باشند در اولویت سازمان قرار دارند. این سازمان از زمان تأسیس تاکنون، از محل کمک‌های مردمی، بیش از ۹۰ میلیارد دلار به تحقیقات آلزایمر کمک کرده است.

Women's Alzheimer's Movement

سازمان «جنبش آلزایمر زنان» متشکل از گروهی از افراد مصمم و متعهد به تغییر داستان آلزایمر و زنان است. WAM قصد دارد این کار را از طریق سرمایه‌گذاری برای انجام تحقیقات زن‌محور در زمینه آلزایمر، حمایت از افراد مبتلا به این بیماری و ارائه آموزش در زمینه سلامت مغز و پیش‌گیری از ابتلا به آلزایمر انجام دهد. ماریا شریور، مؤسس این سازمان، می‌گوید: «زنان در کانون بحران آلزایمر قرار دارند. به همین دلیل است که ما باید در مرکز فعالیت‌های صورت گرفته برای یافتن راه‌حلی برای این بحران باشیم.» هدف دیگر این سازمان جنگیدن با پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های نادرستی است که درباره بیماری آلزایمر، و به‌خصوص دلایل ابتلای بیشتر زنان به این بیماری، وجود دارد.

Alzheimer's Association

این سازمان نیز مانند ۲ سازمان پیشین تلاش می‌کند با کمک به تسریع روند تحقیقات جهانی در زمینه آلزایمر، کاهش ریسک ابتلا به بیماری و تشخیص زودهنگام آن، و رساندن مراقبت‌ها و حمایت‌های صورت گرفته به بالاترین سطح کیفی، به پایان یافتن بحران آلزایمر و سایر انواع زوال عقل در میان گونه بشر، به‌ویژه زنان، کمک کند. در نگاه اول، به نظر می‌رسد که دلیل بالاتر بودن آمار ابتلای زنان به این بیماری، در مقایسه با مردان، این حقیقت باشد که زنان در واقع بیشتر عمر می‌کنند و در نتیجه زنان بیشتری به سنین بالایی می‌رسند که خطر ابتلا به آلزایمر در آن‌ها افزایش می‌یابد، اما اکنون مشخص شده است همان‌طور که طول عمر بیشتر زنان در مقایسه با مردان دارای دلایلی بیولوژیکی است، ممکن است برای این مسئله نیز دلایل بیولوژیکی منحصر به فردی وجود داشته باشد. در همین راستا، انجمن آلزایمر در سال ۲۰۱۶ کمک‌هزینه‌ای با عنوان «کمک‌هزینه انجمن آلزایمر» را برای کمک به یافتن پاسخی برای این پرسش که «چرا زنان بیش از مردان به بیماری آلزایمر مبتلا می‌شوند؟» تعریف کرد.

<http://womenandalzheimers.org/> وبسایت زنان و آلزایمر

<https://thewomensalzheimersmovement.org/> وبسایت جنبش آلزایمر زنان

https://www.alz.org/blog/alz/february_2016/why_does_alzheimer_s_disease_affect_more_women_tha

women_tha وبسایت انجمن آلزایمر

پرسش‌های حقوقی بانوان



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

+ آیا می‌شود محل تولد پدر یا مادر را در شناسنامه خودم تغییر بدهم؟

خیر، این امکان وجود ندارد زیرا برای اینکه چنین تغییری در شناسنامه شما رخ دهد باید پدر یا مادر به آن اقدام کنند تا پس از تغییرات در شناسنامه آن‌ها، در شناسنامه فرزند نیز اعمال شود. البته باید در نظر داشت به صورت کلی تغییر محل تولد در شناسنامه به دلایل و مدارک نیاز دارد و نمی‌توان بدون هیچ دلیلی چنین درخواستی داشت زیرا قطعاً امکان چنین درخواستی برای همه موجب هرج و مرج در احراز هویت و اطلاعات فردی خواهد شد.

+ سال ۹۶ یک واحد آپارتمان اجاره کردم که در دفتر املاک ثبت شد و کد رهگیری دریافت کردم. بعد از آن هر سال پشت همان قولنامه به صورت دستی تمدید انجام شد. سال گذشته که برای امسال تمدید شد، مبلغ ۵۰ میلیون تومان پول رهن و مبلغ ۳ میلیون تومان اجاره نوشته شده. قرارداد بنده تا آذرماه بود. الان موجر می‌گوید که مبلغ اجاره را برای تمدید ۷ میلیون تومان کنید. آیا می‌توانم این مبلغ را قبول نکنم و همان ۲۵ درصد را قبول کنم؟ او می‌تواند من از خانه بیرون کند و حکم تخلیه بگیرد؟

به صورت کلی، موجر در برخی موارد از جمله در صورت نیاز شخصی و احراز آن، در صورتی که

موجر خودش مستأجر باشد، در صورت انتقال خانه در دفترخانه، در صورت ازدواج اولاد ذکور (پسر) موجر و... می‌تواند دادخواست تخلیه دهد. در غیر این صورت، با توجه به مصوباتی که توسط ستاد کرونا تصویب شده است، قرارداد اجاره بسته به مواردی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش خواهد داشت و می‌توان به استناد این مصوبه (البته در صورتی که موجر مطابق مواردی که در ابتدای پاسخ عنوان شد)، برای افزایش درصد مذکور اعلام آمادگی کرد.

+ چند سالی است به علت مطلقه بودن، نصف حقوق پدرم را که بازنشسته نیروهای مسلح بود دریافت می‌کنم. مادرم به تازگی فوت کرده است. سؤال این است که بعد از فوت مادر، آیا حقوق پدر را کامل دریافت خواهیم کرد یا حق همسری که برای مادر واریز می‌شد از حقوق من کسر خواهد شد.

بله، با توجه به اینکه مستمری بین شما و مادران تقسیم شده بود، اکنون میزان مستمری پرداختی به مادر، به دریافتی شما اضافه خواهد شد.

+ سیستم پرینت مکالمات و پیام‌های خط را تا چه زمانی نگهداری

می‌کنند و آیا به جز این موارد، پرینت پیام‌ها و ارتباطات شبکه‌های مجازی امکان دارد؟

با توجه به اینکه در سیستم‌های پیام‌رسان داخلی تا ۶ ماه این اطلاعات نگهداری می‌شوند، امکان پرینت در این مهلت وجود دارد، اما در خصوص شبکه‌های مجازی قابلیت شناسایی وجود ندارد.

+ طبق وصیت پدر بزرگ مادری‌ام که ۲ دختر و ۲ پسر داشته وصیت شده است هر پسر سهم الارث یک دختر را بدهد و دایی من که سهم مادرم با او بوده فوت شده است. آیا می‌توان از فرزندان او طلب ارث کرد و اگر اموال دایی من به اسم فرزندان او شده باشد، چه طور است؟

برای پاسخ به این پرسش، باید وصیت‌نامه به صورت کامل مطالعه و اطلاعات کامل‌تری در این خصوص بیان شود.



شهربانو

۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۲ شماره ۳۴۸۵

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرمدیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



انگشت به دهان مانده است. این اصحاب که رسم وفا را به بشریت آموختند، همان‌هایی بودند که تا آخرین نفر پاسدار جان امام و خانواده ایشان شدند.

رسم وفا

«رسم وفا» نام کتابی است به قلم خانم رفیعه رضاداد که گذری بر زندگی شهدای غیر هاشمی کربلاست و شاید پاسخی مختصر به این پرسش باشد. مؤلف در بخشی از مقدمه‌اش می‌نویسد: آنچه در کتب و منابع مختلف تاریخی خصوصاً کتاب‌های فارسی به آن پرداخته شده عمدتاً زندگی و شرح حال شهدای بنی‌هاشم و عده انگشت‌شماری است از غیر بنی‌هاشم چون حبیب‌بن مظاهر، حرب‌یزید رباحی و... و درباره سایر شهدا و یارانی که از خاندان بنی‌هاشم نبوده‌اند متأسفانه فقط به ذکر نامی کوتاه و یا توضیحی گذرا و عمدتاً ناقص بسنده شده است.

از این رو خانم رضاداد برای شفاف شدن زندگی این شهدا سراغ کتب و منابع تاریخی متعدد می‌رود و از ۲۸ عنوان کتاب که نامشان در پایان این اثر آمده است استفاده می‌کند و به شرح حال ۹۰ تن از شهدای غیر هاشمی که نامشان در زیارت ناحیه مقدسه امام‌زمان (عج) آمده و یاران دیگری که نامشان در این زیارت نیامده است می‌پردازد. نویسنده به شکل رسمی و مورخانه قلم به دست گرفته و هرآنچه در تاریخ درباره این شهدا آمده است و این را که ایشان چگونه به امام ملحق شده‌اند و در عاشورا چه کرده‌اند نقل می‌کند. خانم رضاداد کمتر وارد فضای احساسی شده است. با این حال، چون خیلی مرتب و مختصر و مفید کتابش را نوشته، خواننده را به خوانش خویش تشویق می‌کند. بخشی از شرح حال و شرح رزم عمرو بن جناده انصاری یکی از شهدای نوجوان کربلا را با هم می‌خوانیم: عمرو، همراه پدر و خانواده‌اش از مکه تا کربلا آمد و در کربلا ملازم امام حسین (ع) بود. صبح روز عاشورا، پس از شهادت پدرش، او عازم میدان شد تا حسین بن علی (ع) را یاری کند. نزد آن حضرت رفت و اجازه خواست تا با دشمن بجنگد. امام فرمود: پدر این نوجوان کشته شده. شاید برای مادرش سخت باشد و او راضی نباشد.

عمرو گفت: به خدا قسم نه. مادرم، خود، به من دستور داده و لباس رزم بر تنم کرده تا شما را یاری کنم. عمرو به دشمن حمله کرد و جنگید تا شهید شد. کوفیان سر او را از بدنش بردند و به طرف سپاه امام حسین (ع) پرتاب کردند.

نگاهی به کتاب «رسم وفا»

آیین فتوت در آیین وازه‌ها!

+ «من یارانی باوفا تر و بهتر از یاران خود سراغ ندارم.» این فرموده حسین بن علی (ع) در شب عاشورا است.

درک اینکه چگونه خاندان پیامبر (ص) به این مرتبه از لیاقت رسیده‌اند که در زمره بهترین‌ها قرار بگیرند شاید چندان سخت نباشد اما چگونه یاران غیر هاشمی آن حضرت به این مرتبه و جایگاه رسیده‌اند، پرسشی است مشکل! وقتی که می‌بینیم در این میان تعدادی نیز بوده‌اند که در روزهای آخر و حتی ساعات واپسین از لشکر شقاوت به سپاه شهادت پیوسته‌اند و چنان صحنه‌هایی عاشقانه را به نمایش گذاشته‌اند که تاریخ



رسم وفا

• نویسنده: رفیعه رضاداد